

شهرهای اوستایی

اسد نوری (آریاچهر)



انتشارات آنایس

نوری، احمد، ۱۳۴۹

شهرهای اوستایی / احمد نوری [آریاچهر]

تهران: آرتامیس، ۱۳۹۹.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۰۸۴-۴-۲

کتابنامه

فهرست نویسنده براساس فیبا

Cities and towns in the Avesta

موضوع: شهرها و شهرستان‌ها در اوستا

Cities and towns, Ancient-- Iran

شهرها و شهرستان‌ها در باستان -- ایران

Cities and towns-- Iran-- History-- To 633
شهرها و شهرستان‌ها -- تاریخ -- پیش از اسلام 633 To

۲۹۶/۳۸۳

E 3 1199

کتابشناسی: ۵۷۳۶۹۸۷



نشریات آرتامیس

شهرستان اوستایی

پژوهش و نگارش: احمد زری [آریاچهر]

حروفنگاری و صفحه‌آرایی: آرتامیس

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۰۸۴-۴-۲

شمارگان: ۵۰۰

چاپ: دوستان

چاپ اول ۹۹

نشانی: www.artamis-pub.com

تلفن: ۰۲۱-۵۶۳۴۵۱۹۳-۶۶۷۵۸۵۳۷

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است

فهرست

۹.....	پیش‌گفتار
۱۳.....	دانش جغرافیایی اوستا
۲۳.....	شهرهای اوستایی
۲۵.....	ایریان و یجه
۳۱.....	 و
۳۳.....	 را
۳۵.....	 هری
۳۶.....	 بلخ
۴۱.....	 بابل
۴۵.....	 تنیه
۴۶.....	 چخرم
۴۸.....	 خنتی
۵۱.....	 خوارزم
۵۴.....	 رخج
۵۶.....	 رود رنها
۵۹.....	 رنژدیه
۶۰.....	 ری
۶۴.....	 سغد
۶۶.....	 کابل
۶۸.....	 مازندران
۷۲.....	 مرو
۷۴.....	 موژ
۷۵.....	 نیسایه
۷۸.....	 ورنه
۸۲.....	 ور جمکرد
۸۷.....	 هرات
۸۹.....	 هپت هندو
۹۲.....	 هتومت
۹۵.....	 هفت کشور
۱۰۲.....	 نقشه‌ی ایران
۱۰۴.....	 بهره برده شده‌ها

پیش گفتار

مرزمنی که هم‌اکنون در نقشه‌های جغرافیایی و مرزبندی‌های سیاسی اجتماعی و بین‌المللی ایران نام گرفته، تقریباً یک‌سوم سرزمین اصلی ایران است! که امروزه بانس‌های دیگر آن به کشورهای دیگر تغییر نام یافته است. کشورهای چین، افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان، آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و عراق و کشورهای جنوبی کرانه‌ی خلیج پارس و دریای اریتره [عمان] همگی در گذشته‌ی نه چندان دور که گاهی دیرینه‌گی آنان حتی به یک سد هم می‌رسد از استان‌ها و خاک ایران به‌شمار می‌آمدند. با این‌که در طی رویدادهای سیاسی نظامی و اقتصادی و جریان‌های تاریخی منطقه‌ی حاور یانه این استان‌ها به نام‌های خود و یا دیگری از ایران جدا گشتند و به کشورهای خود مختار و مستقل درآمدند، هم‌چنان آثار و نمودهای تاریخی و فرهنگی به‌ویژه زبان پارسی دری را به‌طور آشکار در بین فرهنگ مردمی این کشورها به خوبی می‌بینیم. مناطق نام‌برده که از سوی شمال شرق از آمودریا و سرریزها [رو] جیحون و سیحون] گرفته تا شمال غرب مرز ارمنستان و گرجستان و قفقاز از شرق مرزهای چین و افغانستان گرفته تا میان‌رودان [بین النهرین] و از جنوب شرقی رود پنجاب هند گرفته تا جنوب خلیج پارس و دریای اریتره [عمان] و جنوب غربی و شمال عربستان همگی در گذشته،

مرزهای اصلی سرزمین و مردم ایران و جایگاه فرهنگ ایرانی بوده است. نه بدین معنی که این مناطق به دست شاهان و فرمانروایان ایران باستان گشوده شده و یا تسخیر شده‌اند بلکه از دیدگاه نژادی و قومیتی و زبان و فرهنگ و هنر و ساختار هویت انسانی از پایه، این منطقه ایران نام دارد و ایران بزرگ را تشکیل می‌دادند؛ که متأسفانه در اثر کوتاهی و سهل‌انگاری، دانش و ناتوانی سلاطین و سرداران انیرانی [غیر ایرانی] که به‌ویژه در این اواخر بر این سرزمین فرمانروایی می‌کردند از ایران جدا شده و به دست بیگانگان سپرده شده است.

در طی دو سده‌ی گذشته پژوهش‌های باستان‌شناسی قوم‌شناسی زبان‌شناسی و اوستا شناسی که از سوی دانشمندان ایرانی و بیگانگان در این پهنه‌ی خاکی انجام گرفته به‌خوبی این ادعا ثابت شده است. هرچند برخی از پژوهشگران و دانشمندان ایران‌شناس خواستند در طی گزارش‌های خود به گونه‌ای این آثار و ماهیت را به‌گونه‌ای دیگر و به نام‌های دیگر جلوه دهند! این گروه که به‌طور یقین کارشان پایه‌های سیاسی دارد کار را حتی به دانشگاه‌ها و کالج‌های ایران‌شناسی هم کشاندند، اما خوشبختانه امروز با کشف‌های ارزشمند آثار به‌دست آمده به‌ویژه جست‌وجو و پژوهش در ادبیات کهن و ناپاکش از کوه‌ی زمین که ایران نام گرفته هویدا و آشکار شده است که مرزهای ایران امروز مرزهای ایران اصلی نیست و ایران اصلی که هویت تمدنی ایرانیان را به‌خود اختصاص می‌دهد از آمودریا و سیردریا تا میان‌رودان و از شمال رود ارس و ارمنستان و قفقاز تا رود پنجاب هند است. برای پی بردن به این مهم می‌توان به بسیاری از کشف‌های نوین باستان‌شناسی و آثار مردم‌شناسی و قوم‌شناسی، زبان‌شناسی به‌ویژه رفتارهای فرهنگی و هنری مردمان این سرزمین بازگشتی زد و به نژاده بودن آن پی برد. جغرافیای

ایران یک روزه و در طی یک سده به وجود نیامده که بتوان آن را نیز یک روزه و یا در طی یک سده آن را انکار و یا رد کرد!

برای این که این گفتار و دیدگاه به اثبات برسد راه های علمی و تحقیقی بسیاری است که پیش تر برخی از آنها نام برده شد، اما این نوشتار بر آن است تا تنها با تکیه بر دانش و آمار و آثار متون اوستایی به روشن کردن پهنه ی اصلی ایران بپردازد. البته با این نگرش گفتار و ادعای ساختن جدید مهاجرت ایرانیان و یا آریاها به این سرزمین هم به خودی خود رد و باطل می شود، اما چون گفتار ویژه رد مهاجرت آریایی و ایرانیان نیست این مهم باید به کتاب و نوشتاری دیگر به طور مفصل تر واد می گذاریم. تا باقی باشد بر گفته ها ادعاهای سودجویان سیاسی نظامی که خواسته اند سلسله ها را بر این تهممه مهاجرت بر ایران دست اندازی کنند و دیگران را جایگزین آن کنند. گفتار این کتاب بر آن است تا تنها از گفتار اوستا به شناخت شهرهای ایرانی بپردازد. شهرهایی که براساس گزارش اوستا و هم چنین بر اساس یافته های باستان شناسی بسیار دور و کهن تر از شکل گیری تمدن در دیگر نقاط کره ی زمین وجود داشته اند و مردمانش از فرهنگ و نژادگی و ادب و هنر بهره داشته و از نظر پرورش و روشن است که در دوران کهن پیش از تاریخ و پارینه سنگی مانند امروز در دانش جغرافیا نامی از مرزبندی های سیاسی وجود نداشت و مرزبندی زمین ها بیشتر بر پایه ی فرهنگ و آیین مردمان و اقوام آنها مشخص و شناخته می شد. بر همین پایه نمی توان در اوستا به درستی مرزبندی جغرافیایی سیاسی به دست آورد. جغرافیای اوستایی بیشتر بر پایه ی فرهنگ و پراکندگی اقوام ایرانی است و نام شهرهای آورده شده در آن بیانگر زیستگاه ایرانیان پیش از تاریخ و به وجود آمدن تمدن های دیگر در پهنه ی خاک و فلات ایران است.